

حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق بی مجوز سازمان ملل متحد، یک جنایت جنگی و جنایت نسبت به حقوق بشر قلمداد می شود و چون قطعنامه شماره ۱۴۴۱ شورای امنیت مجوز کاربرد قوه قهریه برای حمله به عراق را پیش بینی نکرده بود، جنگ عراق جنگی نامشروع و ناقص قواعد و مقررات بین الملل و یک تجاوز محسوب می شود. بدین ترتیب اصول حقوق بین الملل بویژه اصل ممنوعیت توسل به زور، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، عدم مداخله در امور داخلی و خارجی کشورها و اصل مربوط به تعیین سرنوشت دولتها که جزو قواعد آمره است نقض شده است و مسئولیت نیروهای ائتلاف به استناد چهارمین کنوانسیون ژنو (مواد ۱۴۹-۱۴۷) و ماده ۲ از پاراگراف ۴ منشور سازمان ملل متحد مطرح می شود.

پذیرفته شده است.

ممنوعیت کاربرد زور

علی رغم همه واقیعت های تلخ تاریخی، جنگ همواره مورد نکوهش و اعتراض عمومی بوده است. از سده های گذشته حقوقدانان همواره کوشیده اند از کاربرد نیروی نظامی و جنگ جلوگیری کنند. در میثاق جامعه ملل ضوابطی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، تهدیدها، حق توسل به جنگ و پیشگیری از کاربرد زور تعیین شده بود.^۱ بر اساس ماده ۱۶ میثاق، هر جنگ یا تهدید به آن، مسئله ای مرتبط با همه اعضا به شمار می رفت. ماده ۱۶ میثاق، لزوم واکنش جمعی اعضا را نسبت به کشوری که با نقض تعهد خود به نیروهای نظامی توسل جسته بود مد نظر قرار می داد و می خواست با وارد آمدن این فشار مشترک، اوضاع به حالت عادی و پیش از جنگ باز گردد.

ماده ۱۶ میثاق بر پایه دو اصل کلی استوار بود:

- ۱- کاربرد زور به صورت مشترک از سوی اعضای جامعه ملل برای بازگرداندن امنیت بین المللی، قانونی محسوب می شود.
 - ۲- جنگ یکی از اعضا، با دولتی دیگر، جنگ همه اعضای جامعه ملل شمرده می شود و کاربرد زور به صورت جمعی مجاز است.
- با توجه به ناکام و ناکارآمد شدن سیستم اقدامات جمعی و بروز جنگ جهانی دوم، تنظیم کنندگان منشور ملل متحد هر گونه کاربرد زور در روابط بین الملل را منع کردند. در بند ۶ از ماده ۲ منشور،

پیشگفتار

حمله نظامی نیروهای ائتلاف به عراق جنگی از سوی سازمان ملل متحد نیست و قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت مورخ ۸ مارس ۲۰۰۲ هرگز مجوز کاربرد زور توسط نیروهای ایالات متحده آمریکا و انگلیس به عراق برای از میان بردن سلاح های کشتار جمعی یا آزاد کردن مردم عراق را صادر نکرده است؛ هر چند به اتفاق آراء از سوی پانزده عضو شورای امنیت صادر شده است.^۱ در این قطعنامه به قطعنامه های دیگری مانند قطعنامه ۶۶۱ مورخ ۶ اوت ۱۹۹۰، قطعنامه ۲۶۸۶ مارس قطعنامه ۶۷۸-۱۹۹۱-۲ نوامبر ۱۹۹۰، قطعنامه ۶۸۷-۳ آوریل ۱۹۹۱، قطعنامه ۵۶۸۸ آوریل ۱۹۹۱، قطعنامه ۷۰۷-۱۵ اوت ۱۹۹۱، قطعنامه ۷۱۵-۱۱ اکتبر ۱۹۹۱، قطعنامه ۹۸۶-۱۹ آوریل ۱۹۹۵، قطعنامه ۱۲۸۴ مورخ ۱۹۹۹ و بالاخره قطعنامه ۱۳۸۲-۲۹ نوامبر ۲۰۰۱ اشاره شده است.

در این قطعنامه ها تجاوزهای عراق به کشور کویت یادآوری و همچنین به علت بی توجهی عراق به قطعنامه های سازمان ملل و عدم رعایت آنها، این کشور تهدید جدی برای صلح و امنیت بین الملل قلمداد شده بود.

بدین سان، نیروهای آمریکایی و انگلیسی جنگ با عراق را بی مجوز سازمان ملل متحد آغاز و قواعد و مقررات بین الملل را نقض کردند. یکی از اصول مهم حقوق بین الملل، ممنوعیت کاربرد قوه قهریه است که از سوی همه کشورهای جهان

جنگ عراق: نقض حقوق بین الملل

دکتر پرویز ترک زاده

عضو هیات علمی دانشگاه مازندران

گروه حقوق

○ مادر دورانی به سر می‌بریم که مردم جهان انتظار دارند دولتها، بویژه دولتهای نیرومند و پیشرفته، اصول حقوق بین‌الملل و معیارهای جهانی حقوق بشر را محترم شمارند و از آنها پیروی کنند.

در مورد کاربرد زور بر ضد عراق، ایالات متحده آمریکا استدلال کرد که عراق تعهدات بین‌المللی خود در چارچوب قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت را انجام نداده است و از آن رو که صلح و امنیت بین‌المللی را به گونه‌ی جدی تهدید می‌کند، کاربرد زور در مورد آن کشور برای رعایت قطعنامه‌های سازمان ملل، نیازمند قطعنامه و مجوز تازه‌ای از سوی شورای امنیت نیست.

در پاسخ به این نظریه و ادعای آمریکا، باید گفت که منشور در ماده ۳۳ (پاراگراف ۱) تأکید فراوانی بر جستجوی راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و سازش دارد و سازمان ملل متحد اصولاً يك سازمان تشبیه‌کننده (Justicier) تلقی نمی‌شود.^۶

استدلال ایالات متحده آمریکا و بریتانیا

مادر دورانی به سر می‌بریم که مردم جهان انتظار دارند دولتها، بویژه دولتهای نیرومند و پیشرفته، اصول حقوق بین‌الملل و معیارهای جهانی حقوق بشر را محترم شمارند و از آنها پیروی کنند. اعتراضها و مخالفت‌های هزاران نفر در گوشه و کنار جهان، حتی در داخل آمریکا و انگلیس، نشان می‌دهد که مردم جهان نه تنها از جنگ بیزارند، بلکه علاقه و اصرار دارند مشارکت و حضور بیشتری در اداره امور بین‌المللی داشته باشند و از این راه، دولتها را به رعایت بیشتر و بهتر حقوق شهروندان وادارند.

اما از زمان رسیدن جورج دبلیو بوش به ریاست جمهوری آمریکا، رویکرد و نگرش تازه‌ای نسبت به مسائل بین‌المللی از سوی ایالات متحده آغاز شده است که نشان می‌دهد احترام به قواعد حقوق بین‌الملل در سیاستهای جدید آن کشور جایگاه چندان مهمی ندارد و رهبری کنونی در تلاش است ساختار نظامی را جایگزین ساختار قانونی مبتنی بر حقوق بین‌الملل کند.^۷

ایالات متحده اعلام کرده است که پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حق مقابله به مثل و مبارزه با تروریسم را برای خود محفوظ می‌دارد و از آنجا که تروریسم از سوی سازمان ملل تعریف نشده است این سازمان صلاحیت ندارد در این مورد اقدام کند. پس از آن، آمریکا سه کشور عراق، ایران، کره شمالی را با اصطلاح محور شرارت

اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برای اصل ممنوعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل در نظر گرفته شده و امروز این اصل به صورت يك قاعده آمره بین‌المللی در آمده است.^۲

هر چند در منشور به جای واژه جنگ، «کاربرد زور» آمده است، لیکن ماده ۲-۴ توسل به زور را مغایر اهداف منشور سازمان ملل شناخته است.

ممنوعیت جنگ در برخی از اسناد بعدی سازمان ملل، کاملاً مشخص است:

- قطعنامه مربوط به تعریف تجاوز (xxix) 3314

- قطعنامه مربوط به روابط دوستانه و همکاری

میان کشورها (xxv) 2625 مورخ ۴ نوامبر ۱۹۷۰

- اعلامیه مانیل در خصوص حل و فصل

مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مورخ ۱۵

نوامبر ۱۹۸۲ که به تصویب مجمع عمومی سازمان

ملل متحد رسیده؛ و بالاخره پیش‌گیری از

جنگ‌های مسلحانه در اعلامیه ۱۹۹۸ مجمع

عمومی سازمان ملل متحد منعکس شده است.^۴

روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات

بین‌المللی به دو شیوه حقوقی و غیر حقوقی، چه در

منشور و چه در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده و

در آراء دیوان بین‌المللی دادگستری نیز آمده است.

البته در حقوق بین‌الملل، روشهای غیر حقوقی

برای حل اختلاف، بستگی پیدا می‌کند به نوع

مسئله، دامنه و شدت آن و همچنین میزان رابطه

طرفهای اختلاف و تابعان نظام بین‌المللی.

میانجیگری، تحقیق و بازرسی، مصالحه و آشتی

بعنوان شیوه‌های غیر حقوقی در نظر گرفته شده

است و بر پایه روش حقوقی، محاکم دایوری و قضایی

برای حل اختلافات صلاحیت دارند.

در این مورد می‌توان به فصل ششم منشور (مواد

۳۳ تا ۳۹) اشاره کرد که شیوه‌های گوناگون

حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را به طرفهای

درگیر توصیه می‌کند. البته نمی‌توان گفت که

ارتباطی میان فصل‌های ششم و هفتم منشور وجود

ندارد؛ در واقع اگر تلاش‌های انجام شده بر اساس

فصل ششم منشور به هر دلیلی در جلوگیری از

مناقشه یا رفع آن، ناکام بماند، شورای امنیت

می‌تواند مفاد فصل هفتم و مکانیزم کاربرد زور،

مندرج در آن را مورد توجه قرار دهد.^۵

می آید.^{۱۱}

برای بهتر شناختن مواضع و استدلالهای حقوقی ایالات متحده در مورد حمله به عراق، لازم به نظر می رسد سیاستهای این کشور به کوتاهی مورد بررسی قرار گیرد.

۱- استراتژی آمریکا

اگر دیپلماسی ایالات متحده آمریکا پس از خروج نیروهای نظامی بریتانیا در دهه ۱۹۶۰ از حوزه خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده می شود که سیاستهای ظاهرأ صلح طلبانه آمریکا رفته رفته به اقدامات نظامی در این منطقه انجامیده است. این فرایند از سیاست دوستونی ریچارد نیکسون آغاز شد.

دکترین ریچارد نیکسون: سیاست

دوستونی

دکترین ریچارد نیکسون، رئیس جمهور پیشین آمریکا، معروف به سیاست دوستونی، بر دو اصل استوار بود.

از آن جا که ایران از لحاظ نظامی، جمعیت و گستره جغرافیایی برتر از دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه است، به عنوان یکی از گرانگه‌های سیاسی و پایگاه‌های نظامی آمریکا در نظر گرفته شد و بر همین اساس به ایران لقب ژاندارم منطقه دادند.

در این دوران، توسعه طلبی آمریکا برای دسترسی به منابع استراتژیک انرژی در خلیج فارس آغاز شد و مبارزه با ابرقدرت شوروی و جنبشهای کمونیستی در منطقه شکل تازه‌ای به خود گرفت. در سال ۱۹۶۹، آمریکایی‌ها به تدریج گرفتار جنگ ویتنام شدند ولی مخالفت‌های مردمی با این جنگ اوج گرفت و در همین دوران بود که ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا سیاست ویتنامیزه کردن جنگ را اعلام کرد. بر پایه این سیاست، در صورت پیش آمدن جنگی در يك منطقه، می بایست از نیروهای داخلی و محلی استفاده شود.

این دکترین پایه روابط جدید آمریکا با دولت‌هایی که از آنها پشتیبانی می کرد قرار گرفت و سعی شد از پایگاه‌های نظامی که در کشورهای مختلف در خاور میانه برپا شده بود برای تحقق

دانش و تحریم‌های اقتصادی خود را در مورد کشورهایمانند کوبا، لیبی و سودان تمديد کرد و آنها را در شمار دولتهایی سرکش قرار داد که از تروریسم پشتیبانی می کنند.

در چارچوب این سیاست و رویکرد، دولت آمریکا اعلام کرد که رژیم عراق از تروریسم پشتیبانی می کند و با داشتن سلاحهای کشتار جمعی تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین المللی به شمار می رود.

بر این پایه، حقوقدانان آمریکایی، «حمله نظامی پیشگیرانه» را مطرح کردند^۸ و سرانجام دولت آمریکا مدعی شد که برای حمله به عراق نیاز به کسب مجوز دیگری از شورای امنیت نیست و این اجازه در قطعنامه شورا به شماره ۶۷۸ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ داده شده است.

کمیسیون حقوق بین الملل که نهادی مشورتی است، اعلام کرده بود که حمله نظامی آمریکا و بریتانیا با اصول حقوق بین الملل مغایرت خواهد داشت و هیچ گونه اساس و پایه حقوقی برای این حمله وجود ندارد. اعضای این کمیسیون نظر دادند که بی مجوز سازمان ملل متحد، هیچ دولتی حق ندارد از قوه قهریه استفاده کند، جز بر پایه دفاع مشروع که در برابر يك حمله نظامی صورت می گیرد؛ یکی از اصول مهم حقوق بین الملل که از سوی همه کشورهای جهان در طول قرون گذشته پذیرفته شده است.^۹

اگر ایالات متحده آمریکا، دفاع مشروع را برای حمله نظامی به عراق مطرح کرده است، یکی از شروط مهم دفاع مشروع، وقوع حمله نظامی است، که عراق حمله‌ای به آمریکا نکرده است؛ از سوی دیگر، دفاع پیشگیرانه نیز بعنوان اقدامی مشروع در حقوق بین الملل مورد پذیرش قرار نگرفته است.^{۱۰}

بالاخره، رئیس جمهور آمریکا تغییر رژیم صدام حسین را خواستار شد؛ که این نگرش و تصمیم يك جانبه نیز حمله به عراق را توجیه نخواهد کرد. بدنیست یادآوری شود که هوگو گروسیوس عالم معروف حقوق بین الملل در قرن شانزدهم گفته است: «اراده و اقدام برای حکومت کردن بر دیگران، برخلاف خواست آنها، به این بهانه که این امر به سود آنها خواهد بود، مداخله به شمار

○ مسئولیت بین المللی

نیروهای مؤتلف در جنگ

عراق به علت زیر پا گذاشتن

اصل ممنوعیت کاربرد

زور، اصل حل و فصل

مسالمت آمیز اختلافات،

عدم مداخله در امور داخلی

و خارجی کشورهای اواصل

مربوط به تعیین سر نوشت

ملتها به دست خودشان،

مطرح می گردد.

دکترین کارتر با هدف جلوگیری از نفوذ شوروی در مناطق نفتی خلیج فارس طرح شده بود.

حکومت ریگان در سال ۱۹۸۱ خاطر نشان کرد که بهای نفت بیش از اندازه افزایش پیدا کرده است و باید کاهش یابد. البته واقعیت این است که افزایش بهای نفت تا اندازه‌ای معلول جنگ ایران و عراق بود زیرا پس از تجاوز عراق، صدور نفت از تنگه هرمز با مشکلاتی روبه‌رو شده بود.

گفتمنی است که تا اوم جریان نفت بیش از آن که ظاهر آبه سود آمریکا باشد، به سود همپیمانان آمریکا بود، زیرا تنها شش درصد نفت مصرفی آمریکا از خلیج فارس تأمین می‌شود، در حالی که به ترتیب، شصت و پنجاه درصد نفت مورد نیاز ژاپن و اروپای غربی از این منطقه وارد می‌شود.

بیل کلینتون: سیاست مهار دو گانه

پس از پایان جنگ اول خلیج فارس و به قدرت رسیدن بیل کلینتون، وی در برخورد با ایران و عراق سیاست مهار دو گانه را در پیش گرفت. سیاستمداران آمریکایی ادعای کردند که جمهوری اسلامی نظام بین‌المللی و وضع موجود جهان را متشنج کرده است و به اصول مهم در روابط بین‌المللی احترام نمی‌گذارد؛ آنها دولت ایران را به مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل، حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر و غیره متهم می‌کردند.

طرح مهار دو گانه از سوی آنتونی لیک ارائه شد و مبتنی بر سیاست فشار بعنوان مؤثرترین پیام آمریکا به زمامداران ایران و عراق بود تا دولت‌های مزبور ناگزیر شوند در برخورد خود با نظام بین‌الملل مورد نظر آمریکا تجدیدنظر کنند.

البته هدف اصلی ایالات متحده از اجرای سیاست مهار دو گانه و وارد آوردن فشارهای اقتصادی (قانون داماتو) و سیاسی (لشگر کشی به حوزه خلیج فارس)، جدا کردن مردم از دولت در دو کشور یادشده بود.

جورج دبلیو بوش: پلیس بین‌المللی

برخی تحلیلگران، حضور نیروهای نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس و اشغال خاک

بخشیدن به اهداف استراتژیک آمریکا استفاده شود. ایران از جمله کشورهای بود که پس از کودتای ۱۹۵۳، بعنوان یکی از مهم‌ترین پایگاهها برای پاسداری از منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا در خلیج فارس و منطقه در نظر گرفته شده بود.

این وضع تا سال ۱۹۷۹ یعنی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ادامه یافت و جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا سیاست باصطلاح پشتیبانی از حقوق بشر را به عنوان خط‌مشی جدید آمریکایی‌گیری کرد تا بتواند از این ابزار بر ضد دولتهای باصطلاح تندرو و مستقلی همانند جمهوری اسلامی ایران که منافع آن کشور را در جهان به مخاطره می‌انداختند استفاده کند.

دکترین جیمی کارتر: نیروهای واکنش

سریع

در سال ۱۹۷۹، اعضای اوپک بهای نفت را به میزان شصت درصد افزایش دادند به گونه‌ای که کشورهای صنعتی غرب در معرض خطر و بحران قرار گرفتند و آمریکا این افزایش قیمت را ناموجه اعلام کرد.

در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ نیروهای شوروی وارد افغانستان شدند و خاک آن کشور را که در نقطه جنوبی، فقط پانصد کیلومتر با خلیج فارس و تنگه هرمز فاصله داشتند، اشغال کردند.

برزیسکی، مشاور امنیت ملی دولت آمریکا در آن زمان، در تحلیل اوضاع منطقه خلیج فارس و امکان دسترسی شوروی به خلیج فارس اظهار داشت: «این تهدیدها جنبه بین‌المللی دارد و می‌توان از آن به عنوان یکی از سنجش‌های استراتژیک در روابط آمریکا و شوروی یاد کرد».

در سال ۱۹۸۰ جیمی کارتر اعلام کرد: نفت خلیج فارس برای آمریکا جنبه حیاتی دارد و هر گونه اقدامی از جانب یک قدرت خارجی برای کنترل منطقه خلیج فارس نوعی حمله به منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا تلقی می‌شود و بنابراین با هر وسیله از جمله اقدام نظامی دفع خواهد شد. به دنبال اظهارات کارتر، طرح ایجاد نیروهای واکنش سریع (دربرگیرنده دویست هزار سرباز مجهز به سلاح‌های فوق مدرن) به اجرا درآمد.

○ اعتراضها و مخالفت‌های هزاران نفر در گوشه و کنار جهان، حتی در داخل آمریکا و انگلیس، نشان می‌دهد که مردم جهان نه تنها از جنگ بیزارند، بلکه علاقه و اصرار دارند مشارکت و حضور بیشتری در اداره امور بین‌المللی داشته باشند و از این راه، دولت‌ها را به رعایت بیشتر و بهتر حقوق شهروندان و ادارند.

۳- جنگ با تروریسم:

جورج دبلیو بوش پس از ۱۱ سپتامبر اعلام کرد که جنگ با تروریسم طولانی خواهد بود؛ جنگی که با حمله نظامی به افغانستان آغاز می شود و حتی پس از سرنگونی رژیم طالبان، ادامه خواهد یافت.

لشگر کشی آمریکا به افغانستان و سپس عراق، به برخی از دولتها چون روسیه و اسرائیل امکان داد تا سیاست های سرکوب گرانه خود در چین و فلسطین اشغالی را به گونه ای توجیه کنند.

۴- سلاح های کشتار جمعی

ایالات متحده به بهانه خلع سلاح عراق دست به مداخله نظامی در آن کشور زده است. اما تازمانی که مدارک و شواهد لازم مبنی بر وجود سلاح های کشتار جمعی در دست رژیم سابق عراق ارائه نشده است، حمله به این کشور نقض فاحش حقوق بین الملل شمرده می شود.

۵- سرنگونی رژیم صدام حسین

نخستین قربانی این جنگ نیز همچون دو جنگی که پیشتر صدام حسین به راه انداخت، مردم عراق خواهند بود؛ تجاوز به ایران در سال های ۱۹۸۸-۱۹۸۰ اشغال کویت در ۱۹۹۱-۱۹۹۰. به دنبال جنگ دوم بود که تحریم های سخت از سوی سازمان ملل در مورد عراق اعمال شد و همچنین مقرر گردید که بخشی از درآمدهای ناشی از صادرات نفت عراق بعنوان غرامت به دولت کویت پرداخت شود و نیز دست رژیم عراق از سلاح های کشتار جمعی کوتاه شود.^{۱۲}

سازمان ملل متحد اعلام کرد که ملت ستمدیده عراق در سال های گذشته، در سایه رژیم صدام حسین آسیب های فراوان دیده اند و تقریباً مهم ترین تأسیسات زیربنایی و رومانی عراق از میان رفته که لازم است در آینده بازسازی شود.^{۱۳}

۶- جنگ در خاور میانه

یک جنگ دیگر به جنگ هایی که اکنون در خاور میانه جریان دارد، افزوده شده است و با مداخله نظامی آمریکا در عراق، این منطقه آرامش، ثبات و امنیت خود را از دست خواهد داد. دولت بوش اعلام کرده است که مایل است تغییرات دموکراتیک

افغانستان و سپس عراق پس از رویدادهای یازده سپتامبر، را به معنی شکست دیپلماسی دولتهای پیشین ایالات متحده می گیرند. هر چند روسیه و چین و اتحادیه اروپا بارها مخالفت خود را با جهان تک قطبی اعلام کرده اند، اما دولت آمریکا با پیگیری سیاست های یکجانبه و زورمدارانه که لشگر کشی به افغانستان و عراق نمونه هایی از آن است، تلاش می کند تک قطبی بودن نظام جهانی را به نمایش گذارد.

واقعیت این است که پس از فروپاشی دیوار برلین و از میان رفتن اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده بعنوان تنها ابر قدرت در جهان مطرح گردید و جالش و شکاف های نظامی میان این کشور و دیگر کشورهای قدرتمند جهان از جمله چین، اعضای اتحادیه اروپا و روسیه عمیق تر شد.

سیاست های کلینتون پس از جنگ در یوگسلاوی سابق، به گسترش تجارت آزاد کمک کرد، اما سیاست های جورج دبلیو بوش پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، متأثر از فلسفه سیاسی بسیار رادیکال تری است.

۲- خطر تروریسم

دولت جورج دبلیو بوش به بهانه مبارزه با تروریسم و دفاع از خود، در تلاش است سیاست های یکجانبه گرایانه و زورمدارانه خود را به جهانی که در آن، به ادعای او، بد و خوب یعنی متمدن و غیر متمدن در حال ستیز با یکدیگرند، تحمیل کند.

این رویکرد، بیانگر آن است که چون هنوز واژه تروریسم در حقوق بین الملل و از سوی سازمان ملل متحد به روشنی تعریف نشده است، می توان از این مفهوم تفسیر موسع کرد و کارهای بسیاری را مشمول این عنوان قرار داد.

در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، دولت آمریکا برخی گروهها مانند طرفداران نلسون ماندلا و یاسر عرفات یعنی سازمان آزادی بخش را گروه های تروریستی می نامید ولی هرگز از تروریسم دولتی سخن به میان نمی آورد، ولی امروز به گفته مقامات آمریکایی، خطر تروریسم به خطر نازی ها در دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ و کمونیست ها پس از جنگ جهانی دوم شباهت بسیار دارد.

○ از زمان رسیدن جورج دبلیو بوش به ریاست جمهوری آمریکا، رویکرد و نگرش تازه ای نسبت به مسائل بین المللی از سوی ایالات متحده آغاز شده است که نشان می دهد احترام به قواعد حقوق بین الملل در سیاست های جدید آن کشور جایگاه چندان مهمی ندارد و رهبری کنونی در تلاش است ساختار نظامی را جایگزین ساختار قانونی مبنی بر حقوق بین الملل کند.

در ساختار سیاسی کشورهای منطقه ایجاد کند و روند صلح اسرائیل و اعراب را بهبود بخشد. اما در حالی که بوش از سیاست‌های خصمانه شارون و قلع و قمع بی‌رحمانه فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی دفاع می‌کند، به نظر می‌رسد که این رویکرد عاری از منطق واقعی و سیاسی است.

بی‌تفاوتی مجامع بین‌المللی در برابر کشتار بی‌رحمانه مردم فلسطین می‌تواند در آینده روند صلح را کند و خشونت را در خاورمیانه تشدید کند و کانون‌های تروریستی تازه‌ای فراهم سازد.

نقض قواعد حقوق بین‌الملل

دو اصل مهم در حقوق بین‌الملل جنگ همواره برای دفاع مشروع مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است: ۱. اصل ضرورت در دفاع ۲. اصل تناسب در دفاع.^{۱۴}

اصل ضرورت در دفاع

منظور از این اصل، این است که کشور مورد تهاجم منحصرأمی‌تواند به اعمالی دست زند که برای دفع حمله ضرورت داشته باشد و در همان حد باید متوقف شود. در واقع دولت مدافع، با بازگشت شرایط به وضع پیش از تهاجم، باید اقدامات نظامی خود را متوقف و تنبیه متجاوز را از کانالهای سیاسی و دیپلماسی و حقوقی تعقیب کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود مربوط به قضیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ اعلام کرده هنگامی دفاع مشروع قانونی است که شرط ضرورت برای مقابله به یک حمله نظامی احراز شود.

بنابر این در حمله نظامی نیروهای مؤتلف به رهبری ایالات متحده آمریکا و انگلیس به عراق به هیچ وجه شرط ضرورت دفاع رعایت نشده زیرا حمله‌ای نظامی از سوی عراق به کشورهای یادشده مطرح نبوده است و اقدام نیروهای مؤتلف با ضوابط قانونی، حقوقی و همچنین اصول حقوق بین‌الملل همخوانی ندارد.^{۱۵}

اصل تناسب در دفاع

اصل تناسب در دفاع، بعنوان یکی از اصول بنیادی حقوق بین‌الملل ناظر به درگیری‌های مسلحانه کشورها مطرح است.^{۱۶} برپایه این اصل، اقداماتی که در قالب دفاع

مشروع صورت می‌گیرد نباید متوجه اهداف غیر نظامی باشد و لازم است در چارچوب مواد ۴۸، ۵۱ و ۵۲ پاراگراف پروتکل الحاقی اول قرار گیرد؛ یعنی کاربرد زور برای دفاع مشروع با اقدامات نظامی صورت گرفته متناسب باشد و از حمله به اهداف و افراد غیر نظامی اجتناب شود و در صورت ضرورت، منحصرأهداف نظامی مورد حمله و تخریب قرار گیرد.

ماده ۵۱ منشور مقرر می‌دارد اقداماتی که کشورهای عضو در اعمال حق دفاع از خود به عمل می‌آورند باید فوراً به شورای امنیت گزارش شود. در ماده فوق به صراحت اعلام شده است که دفاع مشروع، حق ذاتی و طبیعی کشور مورد تجاوز است و شورای امنیت بر اساس این ماده اقدامات لازم را برای بازگرداندن صلح و امنیت به عمل خواهد آورد.^{۱۷}

چنان که ملاحظه می‌شود، این اصل نیز از سوی نیروهای مؤتلف در حمله به عراق رعایت نشده است.

در واقع، این جنگ شباهت‌های زیادی به جنگ‌های استعماری در سده‌های گذشته دارد که یک یا دو کشور نیرومند به یک کشور ضعیف حمله نظامی می‌کردند و با شعمار و بهانه آزاد کردن مردمان، به اهداف اقتصادی و استراتژیک خود دست می‌یافتند.

عراق دارای منابع سرشار نفتی است و دومین ذخایر نفت جهان را پس از عربستان در اختیار دارد. عراق می‌تواند پس از بازسازی صنایع هیپروکربورن، روزانه ۶ میلیون بشکه نفت تولید کند که این امر در افزایش تولیدات کشورهای صادرکننده نفت بویژه اعضای اوپک مؤثر بوده و موجب کاهش بهای نفت خواهد شد و این کشورها را با معضلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی روبه‌رو خواهد ساخت.^{۱۸} نمودار زیر حجم تولید نفت اعضای اوپک را نشان می‌دهد.

از زمان پیداشدن نفت، خلیج فارس بعنوان شاه‌رگ حیاتی اقتصاد جهان شناخته شده است و هر سال نزدیک به یک میلیارد تن نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند. بیش از ۶۵ درصد کل ذخایر نفت جهان در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد که هزینه استخراج آن نسبت به مناطق دیگر جهان

○ اگر ایالات متحده

آمریکا، دفاع مشروع را برای حمله نظامی به عراق مطرح کرده است، یکی از شروط مهم دفاع مشروع، وقوع حمله نظامی است، که عراق حمله‌ای به آمریکا نکرده است؛ از سوی دیگر، دفاع پیشگیرانه نیز بعنوان اقدامی مشروع در حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار نگرفته است.

معدل ۲۰۰۲	سهمیه ۲۰۰۳	۲۰۰۲						۲۰۰۳		
		ژانویه	فوریه	مارس	نوامبر	اکتبر	سپتامبر	اگوست	جولای	
۸۸۳	۷۸۲	۱/۰۵۰	۱/۱۵۰	۱/۰۵۰	۱/۰۵۰	۱/۰۰۰	۹۰۰	۸۷۰	۸۶۰	الجزایر
۱/۱۱۷	۱/۲۷۰	۱/۱۱۰	۱/۰۵۰	۱/۱۰۰	۱/۱۲۰	۱/۱۰۰	۱/۱۰۰	۱/۱۲۰	۱/۱۲۰	اندونزی
۳/۴۷۰	۳/۵۹۷	۳/۷۱۳	۳/۹۵۰	۳/۷۵۰	۳/۷۴۰	۳/۵۰۰	۳/۷۰۰	۳/۳۵۰	۳/۵۶۰	ایران
۲/۰۱۴		۲/۵۵۰	۲/۴۳۰	۲/۲۷۰	۲/۳۷۰	۲/۴۲۰	۱/۸۲۰	۱/۵۰۰	۱/۸۳۰	عراق
۱/۸۵۳	۱/۹۶۶	۱/۹۰۰	۲/۱۰۰	۱/۸۲۰	۱/۸۰۰	۱/۸۰۰	۱/۹۲۰	۱/۹۱۰	۱/۹۱۰	کویت
۱/۳۱۷	۱/۳۱۲	۱/۳۵۰	۱/۴۰۰	۱/۳۳۰	۱/۳۴۰	۱/۳۳۰	۱/۳۳۰	۱/۳۲۰	۱/۳۲۰	لیبی
۱/۹۷۸	۲/۰۱۸	۲/۱۵۰	۲/۱۵۰	۲/۱۰۰	۲/۰۰۰	۱/۹۸۰	۲/۰۰۰	۱/۹۵۰	۱/۹۰۰	نیجریه
۶۴۰	۶۳۵	۷۲۰	۷۵۰	۷۰۰	۶۸۰	۶۷۰	۶۶۰	۶۵۰	۶۳۰	قطر
۷/۵۵۱	۷/۹۶۳	۸/۴۰۰	۹/۲۰۰	۸/۰۰۰	۷/۸۰۰	۷/۸۵۰	۷/۷۰۰	۷/۶۰۰	۷/۵۵۰	عربستان
۱/۹۵۲	۲/۱۳۸	۲/۱۰۰	۲/۲۰۰	۲/۰۰۰	۱/۹۷۰	۲/۰۰۰	۱/۹۶۰	۱/۹۹۰	۱/۹۷۰	امارات متحده عربی
۲/۶۳۵	۲/۸۱۹	۶۲۰	۱/۵۰۰	۱/۰۰۰	۲/۹۷۰	۳/۲۰۰	۳/۱۰۰	۳/۰۰۰	۲/۷۰۰	ونزوئلا
۲۵/۴۰۹		۲۵/۶۶۳	۲۷/۸۸۰	۲۵/۱۲۰	۲۶/۶۹۰	۲۶/۸۵۰	۲۶/۱۹۰	۲۵/۲۶۰	۲۵/۳۵۰	جمع
۲۳/۳۹۴	۲۴/۵۰۰	۲۳/۱۱۳	۲۵/۲۵۰	۲۲/۸۵۰	۲۴/۳۲۰	۲۴/۴۳۰	۲۴/۳۷۰	۲۳/۷۶۰	۲۳/۵۲۰	لوبک

منبع: لوبک

بررسی‌هایی زده که هدف آن تعیین علل اساسی و بنیادی بروز جنگ بوده است. بر پایه این پژوهش‌ها، بیست‌وهشت مورد مشخص شده و در میان آنها دسترسی به منابع طبیعی و معدنی از مهمترین عوامل پیدایش بحران و جنگ شمرده شده است.

در فرایند يك جنگ یا بحران ممکن است به این نتیجه برسیم که عامل اصلی، قدرت‌های بزرگ هستند یا قدرت‌های بزرگ به تشدید بحران کمک کرده‌اند. در دو دهه گذشته، ایالات متحده آمریکا کوشیده است در سایه بحرانها و جنگ‌های متعدد همچون تجاوز عراق به خاک ایران و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اوضاع ژئوپولیتیک خلیج فارس را تغییر دهد از این راه به منابع هیدرو کربور منطقه دست یابد و نظامی قابل کنترل در خلیج فارس پدید آورد.

نقض حقوق بین الملل جنگ

اشغال نظامی يك سرزمین، برخلاف آنچه برخی کسان می‌پندارند، به دولت اشغال کننده اختیار حکومت بر باشندگان در سرزمین اشغال شده را نمی‌دهد بلکه آن دولت مقید به اجرای قواعد و مقررات حقوق جنگ است.^{۱۱}

بسیار پایین است یعنی يك تاسه دلار در برابر شش تا یازده دلار در هر بشکه برای تولیدکنندگان غیر عضو لوبک تخمین زده شده است. همچنین، امکان افزایش تولید به علت پیدا شدن ذخایر جدید نفتی در مقایسه با دیگر مناطق جهان، خلیج فارس را به يك منطقه حیاتی میدل ساخته است.

ذخایر اصلی در این منطقه متعلق به ایران، عربستان، عراق و کویت است. در حالی که کشورهای عضو لوبک حدود دو سوم ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند، فقط دو پنجم نفت خام جهان را تأمین می‌کنند و ۶۰ درصد از عرضه نفت در جهان از سوی کشورهای غیر عضو لوبک صورت می‌گیرد که ۳۵ درصد از منابع را در اختیار دارند.

تاریخ جهان، گویای جنگهای بسیاری است که بیشتر به منظور دسترسی به منابع انرژی به وقوع پیوسته است. جنگهای اول و دوم خلیج فارس، اهمیت و نقش انرژی را به جهانیان نشان داد و بی‌گمان مداخله نظامی اخیر آمریکا در افغانستان و عراق پس از وقایع یازده سپتامبر نیز با مسائل انرژی و نفت در منطقه خلیج فارس ارتباط دارد. در سالهای گذشته، سازمان ملل متحد دست به

○ لشگر کشی آمریکا به افغانستان و سپس عراق، به برخی از دولتها چون روسیه و اسرائیل امکان داد تا سیاست‌های سرکوب‌گرانه خود در چین و فلسطین اشغالی را به گونه‌ای توجیه کنند.

قطعنامه ۶۸۷ که در چارچوب فصل هفتم منشور و بر پایه اهداف اعلام شده سازمان ملل تنظیم شده بود ناظر به مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در جنگ و تجاوز به کویت و همچنین خلع سلاح نسبی عراق بود لیکن بر حاکمیت و تمامیت ارضی عراق و کویت تأکید داشت. بر اساس این قطعنامه، عراق مسئولیت جبران همه زیانها و خسارات وارد شده به کویت را می‌پذیرفت و بخشی از درآمد عراق از محل فروش نفت در چند سال بعد برای جبران خسارات کویت اختصاص می‌یافت.^{۲۱}

شالوده‌روابط بین‌الملل بر چند اصل مهم نهاده شده است که عدم رعایت آنها مسئولیت بین‌المللی دولت‌های خاطی را پیش می‌آورد. یکی از این اصول، برابری مطلق کشورهاست که مورد توافق بی‌قید و شرط همه کشورها قرار گرفته است و حق ملت‌ها در تعیین سرنوشته خود (حق حکومت بر خود) بعنوان Jus - Cogens شناخته شده است. ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد - پاراگراف ۲ - حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی چنانچه در فصل ششم منشور سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است.

- عدم مداخله در امور داخلی یا خارجی کشورها که این اصل یکی از اصول بسیار قدیمی حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌رود و هدف آن، در کنار اصل برابری مطلق کشورها، تضمین احترام به حق حاکمیت همه کشورهای عضو جامعه جهانی است. در این زمینه قطعنامه‌های متعددی از سوی سازمان ملل متحد صادر شده است.

- منع کاربرد زور جز در موارد خاصی که در فصل هفتم و ماده ۵۱ مربوط به دفاع مشروع و ماده ۵۳ و مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ پیش‌بینی شده است. چنانچه مشاهده می‌شود، اصل ممنوعیت کاربرد زور، اصل حل مسالمت‌آمیز اختلافات، اصل احترام به حقوق بشر و عدم مداخله در امور داخلی کشورها و... به هم گره خورده است و این اصول در شمار قواعد آمره یعنی Jus - Cogens قرار می‌گیرد؛ اصولی که بعنوان يك الگو از سوی مجامع بین‌المللی و کشورهای جهان پذیرفته شده است و سرپیچی از آنها مجاز نیست. لیکن نیروهای مؤتلف همه این اصول را نقض کرده‌اند.

اصول کلی مستنبط از ماده ۵۲ (پاراگراف ۲) پروتکل اول و پاراگراف ۴ الحاقی به کنوانسیونهای ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ اعلام می‌دارد که کشورهای متخاصم نباید مقر نیروهای نظامی خود را در نزدیکی شهرها و اماکن عمومی قرار دهند و چنانچه این شرط رعایت نشد، بمباران این مناطق باید به صورت محدود باشد. لیکن در هر دو جنگ آمریکا با عراق، نیروهای مؤتلف همواره زیربنای اقتصادی بویژه تأسیسات برق و آبرسانی عراق را نیز بمباران کرده‌اند و بنا بر این می‌توان گفت که ماده ۵۱ (پاراگراف b۵) پروتکل نقض شده است چون بمباران این گونه مراکز و تأسیسات می‌تواند مردم غیر نظامی را با مشکلات گوناگون روبه‌رو سازد. آمریکا در پاسخ اعلام کرده است که در این مناطق تأسیسات اتمی عراق پنهان شده بوده است.

بمباران مراکز تولید انرژی عراق منجر به قطع برق شد که می‌تواند از نظر بهداشتی باعث مرگ بسیاری از کودکان و بیماری اهالی شهرها شود؛ نبود برق همچنین مردم را با کمبود آب آشامیدنی سالم و نفت مواجه کرده است. به استناد ماده ۵۱ پاراگراف b۵ پروتکل، در این حملات نظامی، مقررات مربوط به حمایت از قربانیان غیر نظامی مخاصمات مسلحانه نقض گردیده است و بنا بر این این حملات در زمره حملات کور قرار می‌گیرد.

یکی از مسائلی که مورد توجه کارشناسان حقوق بین‌الملل قرار گرفته است فرایند تحولات جنگ است. این جنگ منجر به کشته شدن گروهی انسان بی‌گناه و غیر نظامی شده است و هر روز که از حملات نظامی نیروهای مؤتلف می‌گذرد غیر نظامیان بیشتری مورد تهاجم قرار می‌گیرند و کشته می‌شوند.

حمله نظامی نیروهای مؤتلف در

سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳

جنگ دوم خلیج فارس در اوت ۱۹۹۰ با اشغال کویت آغاز شد و در ۱۱ آوریل ۱۹۹۱ پایان یافت. شرایط آتش‌بس تعیین شده از سازمان ملل متحد در قطعنامه ۶۸۷ بوسیله ژنرال عبدالعزیز و ژنرال شوار تسکوف پذیرفته شد.^{۲۰}

این قطعنامه را مجلس نمایندگان عراق در ۶ آوریل مورد تصویب قرار داد.

مسئولیت بین‌المللی نیروهای مؤتلف

در جنگ عراق

چهارمین کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) ناظر به مسئولیت کسانی است که مرتکب جرایم سنگین می‌شوند.

در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ چهارمین کنوانسیون، مسئولیت کیفری افراد در رابطه با این جرایم مورد توجه قرار گرفته است. مسئولیت نیروهای ائتلاف، در درجه نخست از جهت نقض فاحش قواعد و مقررات جنگ مطرح می‌شود و سپس از جهت کسانی که مرتکب جرایم سنگین نظامی مربوط به کنوانسیون‌های ژنو یا جنایات جنگی بر پایه حقوق عرفی شده‌اند.

در این زمینه، مسئولیت نیروهای مؤتلف به علت تجاوز به تمامیت ارضی يك کشور مستقل و همچنین کاربرد زور بر اساس ماده ۲ پاراگراف ۴ منشور سازمان ملل متحد نیز مطرح می‌گردد.

نتیجه‌گیری

۱- حمله نظامی نیروهای مؤتلف به عراق، جنگی از سوی سازمان ملل متحد نیست و برخلاف ادعای ایالات متحده آمریکا و انگلیس، اجازه چنین تجاوزی در قطعنامه ۸ مارس ۲۰۰۲ شورای امنیت ملل متحد داده نشده است.

۲- برخلاف ادعاهای ایالات متحده آمریکا، مجوز حمله نظامی به عراق به موجب دیگر قطعنامه‌های شورای امنیت نیز داده نشده است و اگر چنین مجوزی احتمالاً در قطعنامه شماره ۶۷۸ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ صادر گردیده است، در عوض بر تمامیت ارضی و حاکمیت عراق و کویت نیز تأکید فراوان شده است.

۳- ممنوعیت جنگ و به کارگیری قوه قهریه و توسل به زور نه تنها در منشور و قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متحد، بلکه در منشور سازمان کشورهای آمریکایی و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه میان دولتهای قاره آمریکا همواره مورد توجه قرار گرفته است و در زمره قواعد آمره و ژوست گزنس می‌باشد.

۴- تجاوز نیروهای مؤتلف به رهبری ایالات متحده آمریکا و انگلیس با استناد به دفاع مشروع

پیشگیرانه Riposte d'agression preventive یا Just cause در حقوق بین‌الملل پذیرفتنی نیست.

۵- دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود مربوط به قضیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ اعلام کرده است: دفاع زمانی قانونی و مشروع است که دو شرط مهم یعنی ضرورت و تناسب احراز شده باشد. لیکن مشاهده می‌شود که اصول حقوق بین‌الملل ناظر به دفاع مشروع در تجاوز به عراق رعایت نشده است.

۶- مسئولیت بین‌المللی نیروهای مؤتلف در جنگ عراق به علت زیربنا گذاشتن اصل ممنوعیت کاربرد زور، اصل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، عدم مداخله در امور داخلی و خارجی کشورها و اصل مربوط به تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خودشان، مطرح می‌گردد. کسانی نیز که در جریان این تجاوز مرتکب جرایم سنگین جنگی و نقض حقوق بشر (مواد ۱۴۷ و ۱۴۹ چهارمین کنوانسیون ژنو) شده‌اند باید در «دیوان کیفری بین‌المللی» محاکمه شوند.

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، نیروهای نظامی مستقر در خاک عراق، نیروهای اشغالگر و نه نیروهای آزادی بخش شناخته می‌شوند و مشمول اصول حقوق بین‌الملل عرفی جنگ قرار می‌گیرند.

پی‌نوشتها:

۱. اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت در این دوره عبارتند از: فرانسه - چین - ایالات متحده آمریکا - انگلیس - روسیه - پاکستان - سوریه - بلغارستان - کامرون - آنگولا - گینه - آلمان - اسپانیا - مکزیک و شیلی.
2. Jules Dasdevant. 'Regle du droit de la paix' 1936- Vol. 58- p. 472-691.
3. J. Zourek, 'la charte des nations unies interdit - elle le recours a la force en general ou seulement a la force'. Melanges. H. rolin - Paris pedon 1964- p. 517-534.
4. La prevention des conflits. internationaux dans la declartion adoptee en 1988- p. 436-493.
5. D. Alland. La legitime defense et les contre - mesure dans la codification du droit international de la responsabilite. J.D.I 1983- p. 727-762.
6. La charte des nations unies commentaires

○ در سالهای گذشته، سازمان ملل متحد دست به بررسی‌هایی زده که هدف آن تعیین علل اساسی و بنیادی بروز جنگ بوده است. بر پایه این پژوهش‌ها، بیست و هشت مورد مشخص شده در میان آنها دسترسی به منابع طبیعی و معدنی از مهمترین عوامل پیدایش بحران و جنگ شمرده شده است.

○ اصل ممنوعیت کاربرد زور، اصل حلاً مسالمت آمیز اختلافات، اصل احترام به حقوق بشر و عدم مداخله در امور داخلی کشورها... به هم گره خورده است و این اصول در شمار قواعد آمره یعنی Jus Cogens قرار می گیرد؛ اصولی که بعنوان يك الكولز سوی مجامع بین المللی و کشورهای جهان پذیرفته شده است و سرپیچی از آنها مجاز نیست.

۱۸. عراق ۴۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد ۷۰ الی ۷۵ درصد عرب، ۲۵ درصد کرد و ۵ درصد به فرقه‌های دیگر تعلق دارد ۹۵ درصد مذهب اصلی اسلام که ۵۵ درصد آنها شیعه یعنی ۱۲ میلیون.

۱۹. روسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه دکتر هنجی، ص ۱۵۸.

۲۰. قطعنامه ۶۶۰ (۱۹۹۰/۸/۲) محکومیت اشغال کویت قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰/۸/۶) مجازات‌های اقتصادی بر ضد عراق

قطعنامه ۶۶۴ (۱۹۹۰/۸/۱۹) امنیت دولتهای ثالث در عراق

قطعنامه ۶۶۵ (۱۹۹۰/۸/۲۵) بازرسی کشتی‌های تجاری عراق

قطعنامه ۱۱۵۳ (۱۹۹۸/۲/۱۳) کنترل تجارت نفت عراق قطعنامه ۱۳۵۲ (۲۰۰۲/۶/۱) مجوز واردات توسط دولت عراق برای مردم

قطعنامه ۱۳۶۰ (۲۰۰۱/۷/۳) تمدید برنامه نفت در برابر غذا

قطعنامه ۱۴۴۱ (۲۰۰۲/۱۱/۸) انهدام سلاح‌های کشتار جمعی

21. Da lage olivier - 'l invasion du kowet: quelques reperes in herodote, 1990 - p. 29-45.

article par article paris - economica - 1990.

7. Alibert christiane "Du Droit de se faire justice dans la societe internationale" these - universite lyon III - 1979.

8. La legitime defense preventive.

9. Notion de legitime defense en droit international Annuaire francais du droit International 1975- p. 40.

10. Definition de l'agression expose objectif. Paris - ed. internationales 1958.

11. Le Monde - Diplomatie, Avril 2003.

12. Le comite des sanctions erree par la resolution 661- 1999 du conseil de securite'. A. F. D.I. - 1991- p. 11 g- 132.

13. Le pouvoir de sanction de l'onu. Etude theorique de la coercion NON. militaire. Peuch 1974.

14. "Pierre - marie dupuy. droit international publique. Paris. dalloz 1992.

15. La liceite de la riposte a l'agression.

۱۶. دکتر منصوری لاریجانی، اسماعیل وزمانی، سیدقاسم، نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد: تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۵.

17. Dasdevant jules - regle du droit de la paix 1936- Vol. 58- p. 479.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی